دریچه

با حمایت کمپانی اپل

## اوپرا وینفری تهیه‌کنندگی مستند «سیدنی پوآتیه» را بر عهده گرفت

**همدلی|** با درگذشت سیدنی پواتیه بازیگر سیاهپوست مشهور هالیوود اعلام شد اپل مدتی است در حال ساخت مستندی از زندگی کاری این بازیگر مشهور بوده است.

به نقل از ورایتی، اپل در حال ساخت مستندی درباره زندگی و مسیر حرفه‌ای کاری سیدنی پوآتیه فقید است. اوپرا وینفری قرار است تهیه‌کننده اجرایی این پروژه باشد که توسط استودیوی اپل اوریجینال فیلمز ساخته می‌شود.

منبعی آگاه نزدیک به این پروژه گفته اپل و وینفری بیش از یک سال است که روی این مستند کار می‌کنند.

خانواده پوآتیه هم در این پروژه دخیل است. رجی هادلین مسئولیت کارگردانی این پروژه را بر عهده دارد. از پروژه‌های قبلی او می‌توان از فیلم‌های سینمایی دهه ۹۰ میلادی ازجمله «مهمانی خانگی» و «بومرنگ» و همچنین اپیزودهای سریال‌های تلویزیونی مانند «آخرین گانگستر اوریجینال» و «دوشنبه سیاه» نام برد. او همچنین تهیه‌کننده‌ای کارکشته در صنعت فیلم و تلویزیون است و از سال ۲۰۱۳ تابه‌حال یکی از تهیه‌کنندگان اجرایی ثابت جوایز تصویر NAACP بوده است.

هادلین مستند سال ۲۰۱۹ «پدرخوانده سیاه» را هم کارگردانی کرده بود که به اکتشاف در زندگی کلرنس آوانت تهیه‌کننده موسیقی می‌پرداخت.

هادلین از قبل تهیه‌کننده اجرایی دو پروژه دیگر در اپل تی‌وی پلاس بود. او همچنین «شماره یک در لیست تماس» را کارگردانی می‌کند که مستندی درباره همه بازیگران مرد سیاه‌پوستی است که ستاره هالیوودی شدند.

وی همچنین از مسئولان مستندی مشابه است که به زنان سیاهپوست می‌پردازد و شولا لینچ آن را کارگردانی می‌کند. پوآتیه که بازیگر، تهیه‌کننده و کارگردانی مطرح و همچنین نخستین برنده سیاهپوست جایزه اسکار بهترین بازیگر بود، جمعه در ۹۴ سالگی از دنیا رفت.

محمدحسین لطیفی:

## بازیگر برایم ملاک نیست

**همدلی|** محمدحسین لطیفی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و داستان زندگی شهید محمد بروجردی، ابراز امیدواری کرد که این پروژه تبدیل به سریالی متمایز نسبت به دیگر تولیدات مرتبط با شهدا شود.

این کارگردان سینما و تلویزیون که این روزها قرار است کارگردانی سریالی درباره شهید بروجردی را بر عهده داشته باشد، درباره این مجموعه که این روزها در مرحله پیش‌تولید است به خبرنگار مهر بیان کرد: من اخیراً کتابی به نام «محمد؛ مسیح کردستان» خواندم که تیتر بسیار زیبایی داشت و شخصیت شهید بروجردی در این کتاب برایم بسیار جذاب بود.

او ادامه داد: روح بزرگ این شهید و حتی نوع برخوردش با دشمن یعنی کسی که مقابل شما قرار گرفته بسیار عجیب است. حضور در جنگ برای ایشان طبق رویه مولا علی (ع) است که کمترین میزان کشته برایش ملاک است و نه به هر قیمتی شهید شدن.

کارگردان «سفر سبز» درباره جذابیت‌های درام شهید بروجردی اظهار کرد: این فرد از لرستان به سمت تهران می‌آید زندگی این انسان در زمان جنگ که کشور خیلی شرایط پیچیده‌ای دارد بسیار جذاب است.

او که پیش‌ازاین پیشنهادهای مختلفی برای ساخت سریال درباره شهدا داشته است، گفت: شاید ساخت سریال خیلی از شهدا را به من می‌گفتند قبول نمی‌کردم کمااینکه پیش‌ازاین هم قبول نکردم؛ اما این کار برایم متفاوت بود و بسیار برنامه‌ریزی‌های خوبی با حامد عنقا تهیه‌کننده سریال برایش انجام‌شده است.

امیدوارم بتوان این فکرها را محقق کرد تا اندکی کار متمایزی انجام دهیم. لطیفی درباره بازیگران این سریال و اینکه مشکل بودجه یا حضور چهره‌ها را خواهند داشت یا خیر هم گفت: به لحاظ استراتژی‌ای که با حامد عنقا داریم، دچار مشکل نمی‌شویم. برای کاری مثل سریال شهید بروجردی برای من بازیگر ملاک نیست. مثلاً فلانی بیاید فلان نقش را بازی کند که سریال من دیده شود؟ من هیچ‌وقت نمی‌خواهم این کار این‌گونه دیده شود.

برای روانشاد حمید لبخنده که در هفتادمین بهار زندگی به‌سوی ابدیت رفت

# داستان رستوران ۱۴۱

**همدلی|** در خانواده احمد محمود هنرمند دیگری هم در حال جوانه زدن بود. همان زمانی که آقای نویسنده دست‌به‌قلم داشت و در خانه پدری از وقایع اجتماعی میهنش می‌نوشت، خواهرزاده نوجوانش حمید، شوق تئاتر پیداکرده بود. حمید لبخنده در همان دوره نوجوانی و در زادگاهش اهواز مشق هنر کرد. در دوره نوجوانی او، حسینعلی طباطبایی، پدر ناهید طباطبایی، هنرمند داستان‌نویس، به هنرجویانِ مشتاق در اهواز آموزش تئاتر می‌داد. حمید لبخنده هم یکی از شاگردان او بود؛ شاگردی که بعدها با آثار یکی از نامدارترین هنرمندان این مرزوبوم در تالار وحدت روی صحنه رفت. به گزارش ایسنا، خانواده تئاتر خوب می‌دانند که حمید لبخنده یکی از دوستان نزدیک حمید سمندریان و همسرش هما روستا بود. او سال‌های طولانی در کنار این دو هنرمند کار و رفاقت کرد. پاییز سال ۹۵ در اولین سالروز درگذشت هما روستا با لبخنده به گفت‌وگو نشستیم. از دوره نوجوانی و هنرجویی تا دوران ممنوعیت در تئاتر و رستوران‌داری. گفت‌وگوی تلخی بود و لحظاتی با اشک و سکوت همراه شد. یکشنبه که جامعه هنری به فاصله چند ساعت برای دو هنرمند به سوگ نشست، تلخی آن گفت‌وگو بار دیگر تکرار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، بازنشر بخشی از سخنان حمید لبخنده در آن مصاحبه است. «۱۵ ساله بودم که به کلاس نخستین استاد تئاترم، آقای دکتر حسینعلی طباطبایی در اداره فرهنگ و هنر اهواز راه پیدا کردم. در آن کلاس رضا فیاضی، فرید و علی سجادی حسینی و رضا خندان هم بودند. چند سال بعد در کنکور دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در رشته کارگردانی و بازیگری تئاتر به تحصیل پرداختم و افتخار شاگردی استادان بزرگی همچون آقایان حمید سمندریان، شمیم بهار، بهرام بیضایی، پرویز پرورش، دکتر پرویز ممنون، دکتر علی رفیعی، دکتر محمد کوثر و خانم‌ها منیژه محامدی و گلی ترقی و... نصیبم شد. در دوره «زیبا و تکرارنشدنی» دانشجویی، بازیگری و گاه کارگردانی می‌کردم.» اما پیش از دوره دانشجویی، هما روستا را روی صحنه تئاتر دیده بود؛ در اهواز و در نمایش «بازرس» نوشته گوگول. بانوی جوان، تازه به وطن بازگشته بود که همراه با هنرمندانی چون علی نصیریان و داریوش مو دبیان در این اثر نمایشی که کارگردانش عزت‌الله انتظامی بود، روی صحنه رفت. روستا که بعد از بازگشت به ایران، تصمیم داشت نمایش «سانتا کروز» را کارگردانی کند. در اداره تئاتر مشغول تمرین بود که حمید لبخنده به‌واسطه داریوش ایران‌نژاد - یکی از دوستانش - به هما روستا معرفی شد و قرار شد یکی از نقش‌ها را بازی کند ولی این نمایش هرگز به اجرا نرسید و این ناکامی بعدها بازهم گریبان این گروه را گرفت. اوایل دهه ۵۰ و در دوران دانشجویی با حمید سمندریان آشنا شد. استادی که همواره در خانه‌اش به روی شاگردان باز بود و بانویش هم از مهربانی کم نمی‌گذاشت. محبت سرشار این زوج هنری، جواند را پاگیر کرد و از همان‌جا دوستی آنان آغاز شد که تا سال‌های طولانی ادامه پیدا کرد و در کنار هم تلخ و شیرین بسیار چشیدند. جزو دانشجویان خوش‌اقبال هنرهای زیبا بود. در دوران طلایی این دانشکده در آثار دکتر محمد کوثر روی صحنه رفت. مهدی هاشمی و داریوش فرهنگ هم در همان دوران، گروه تئاتر «پیاده» را پایه‌گذاری کرده بودند و لبخنده در بعضی از نمایش‌های این گروه بریان‌ساز هم‌بازی کرد تا اینکه سال ۵۸ ستاره بختش گفت و با بازی در نمایش «مرده‌های بی کفن‌ودفن» نوشته سارتر به کارگردانی حمید سمندریان در تالار حدت روی صحنه رفت. هم‌زمان خودش هم نمایشنامه «عادل‌ها»ی کامو ترجمه محمدعلی سپانلو را کارگردانی و در تالار مولوی به صحنه برده بود. حالا رابطه او با استاد و بانویش گرم‌تر هم شده بود و بنا داشتند «گالیله» برشت را اجرا کنند ولی این خواسته هرگز محقق نشد و از آن بدتر هر نمایشنامه دیگری هم که پیشنهاد کردند، اجازه اجرا نیافت. در آغاز رفتار یکی از نگهبانان سالن عوض شد که خواستار تفتیش اعضای گروه آنان که مشغول تمرین بودند، شده بود. موضوعی که برای سمندریان خیلی برخورنده بود. البته پیش‌تر گفته بودند «گالیله» امکان اجرا ندارد ولی سمندریان چندان جدی نگرفته بود. بعدازآن هم همه نمایشنامه‌های پیشنهادی‌اش رد می‌شد؛ اما گروهی بودند که آموخته بودند از پا ننشینند. پس راهی برای اعتراض پیدا کردند، به‌جای هر اقدام انتحاری، واکنش خود را با دایر کردن یک رستوران نشان دادند؛ رستورانی که در آن تئاتر تمرین می‌کردند و بیش از اینکه عطروطعم غذا در آن حس شود، جایی بود برای گفتن از تئاتر و همه نمایشنامه‌هایی که روی‌ای اجرایش را داشتند. این رستوران پاتوق بچه‌های تئاتری بود، آشپزش مادر هما روستا بود و بانوی هنرمند خودش ظرف‌ها را می‌شست. سر گارسون‌هایش هم حمید لبخنده بودند و احمد آقالو و حسین عاطفی. داستان دایر شدن رستوران ۱۴۱ را به روایت لبخنده می‌خوانیم: «آن زمان خانه استاد سمندریان در خیابان کاخ بود و معمولاً مابعد از تمرین «گالیله» از تالار وحدت تا خانه استاد را پیاده می‌رفتیم و دورهم جمع می‌شدیم. آن بعدازظهر غمگین که آن ماجرا پیش آمد، هنگام ورود به مجموعه محل زندگی استاد در طبقه همکف، متوجه مغازه‌ای بزرگ و خالی شدم با نیم‌طبقه‌ای وسیع که از پس شیشه‌های بزرگش پیدا بود. پرسیدم آقا این مغازه خالی متعلق به کیست؟ استاد گفت متعلق به همه مالکین است. قرار بوده پارکینگ باشد اما چون درخت‌های کهن چنار در مقابلش سر به آسمان می‌سایند، شهرداری اجازه استفاده پارکینگ نداد و کاربری‌اش را تجاری کرده است. به آپارتمان استاد در طبقه دوم رفتیم و قرار شد تا مدیران تئاتر از استاد عذرخواهی نکنند، به تئاتر بازنگردیم و گفتیم باید واکنش نشان دهیم. من پیشنهاد کردم به‌عنوان عکس‌العمل در برابر برخوردی که با گروه ما شده، آن مغازه را به کتاب‌فروشی تبدیل کنیم و کتاب‌فروش شویم اما شرایط ملتهب‌تر از آن بود که کسی مثل استاد سمندریان کتاب‌فروشی باز کند و در امان باشد. پس تصمیم گرفته شد رستوران باز کنیم. خانم روستا از اداره تئاتر بازخرید شده بود و پولی گرفته بود. آقای سمندریان هم از پدرش پولی قرض کرد و اجازه استفاده از آن فضا را از همسایگانش - که همه دوستانش بودند- گرفت. چند ماهی آنجا کار کردیم و تیروتخته ریختیم و فضای همکف آن را به رستوران و نیم‌طبقه‌اش را به پلاتویی تبدیل کردیم برای تمرین تئاتر. همه‌جا گفتیم این حرکت یک اعتراض است اما متأسفانه همان اوایل کار، دوستان نزدیک ما که خودشان را با آن شرایط تطبیق داده بودند و کار می‌کردند، در مورد سمندریان و گروه ما گفتند که آقایان به اصل خودشان بازگشته‌اند! و این برای ما غم‌انگیز بود. درحالی‌که تمام بعدازظهرها استاد، گروه را در نیم‌طبقه جمع می‌کرد و نمایشنامه‌هایی همچون «پدر» استریندبرگ، «راهب و راهزن»، «گالیله»، «ایوانف» و... را روخوانی، تحلیل و تمرین می‌کردیم. رستوران بهانه‌ای بود برای یک ظهر، ناهار، درآمد و ادامه‌اش تئاتر؛ اما اجازه اجرای آثاری که آقای سمندریان دست می‌گرفت، به دست نمی‌آمد.» برای یک بازیگر حس گارسونی باید تجربه‌ای عجیب باشد: «در آغاز حسمان این نبود که مشتری می‌آید. همیشه منتظر تماشاچی بودیم! وقتی مشتری می‌آمد، فکر می‌کردیم تماشاچی آمده. هرکه هم می‌آمد، باید سیر می‌شد و می‌رفت و این‌طور بود که تاب می‌آوردیم. رستوران اما نه‌تنها هیچ درآمدی برایمان نداشت، زیان هم داشت چون بلد نبودیم، کار ما نبود. انگار یک مهمانی بود. اغلب هنرمندان، به‌خصوص هنرمندان رشته‌های دیگر مثل محمود دولت‌آبادی، حسین علیزاده و... به آنجا می‌آمدند. کم‌کم آنجا پاتوق آرتیست‌ها شده بود و این برایمان خیلی مطبوع بود. واقعیت این است که دنبال درآمدش نبودیم. اگر هم بودیم راهش را نمی‌دانستیم. ناگهان از این تکرار به تنگ آمدیم. تکرار بی‌نتیجه تمرینات عصر، تکرار بی‌معنای فروش غذا، تکرار زندگی بی‌حاصل و در غروبی دل‌تنگ، به آقای سمندریان گفتم آقا! اینجا را ببندیم و او هم گفت ببندیم! صبح فردا رستوران را بستیم و هرکداممان به راهی رفت.» با آمدن علی منتظری در سمت مدیریت مرکز هنرهای نمایشی، شرایط عوض شد و حمید سمندریان را به کار کردن دعوت کردند ولی در آن مقطع دیگر حمید لبخنده در تلویزیون مشغول به کار شده بود. بااین‌حال دوستی او با این زوج آن‌چنان مستحکم شده بود که بدون همکاری تئاتری هم جاندار بود. آنان دیگر تئاتر با هم کار نکردند ولی حمید لبخنده سال‌های طولانی مدیریت آموزشگاه حمید سمندریان را عهده‌دار بود. او بعد از درگذشت هما روستا هم این مسئولیت را کنار نگذاشت اما بدون دوستانش دیگر این آموزشگاه لطفی نداشت: «هر روز که در اینجا را باز می‌کنم و وارد می‌شوم، دل‌تنگ حمید و هما می‌شوم و بغضی گلویم را می‌گیرد که اگر مراقبت نکنم...» به اینجا که رسیده بودیم، اشک به چشمانش دویده بود. حالا اما دیگر دل‌تنگ نیست زیرا که در جمع دوستانش حتماً دل‌خوش‌تر است.

حالا سال‌هاست که حمید و هما و احمد آقالو مهمان قطعه هنرمندان بهشت‌زهرا هستند. سال‌هاست که احمد محمود در امامزاده طاهر کرج آرمیده و خانه پدری او در اهواز دیگر ویران‌شده است. حالا حتی از آن درخت وسط باغچه که هم‌سن احمد محمود یا به قول اهوازی‌ها احمد عَطا (اعطا) بود، هیچ اثری نیست. لابد فکرش را کرده بود که در زمستان ۷۰سالگی، رفتن، خوش‌تر از جهانی است که هیچ‌یک از دل‌خوشی‌هایش در آن نیست.

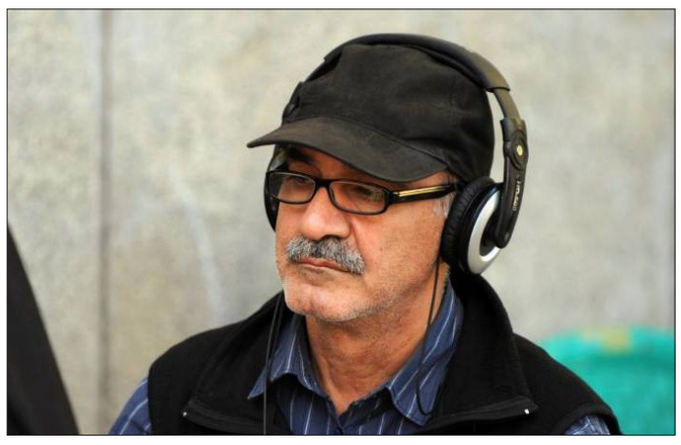

نگاهی به دور تازه کنسرت‌های موسیقی در کشورمان

# آمین زارعی بالاخره روی صحنه خواهد رفت؟

**همدلی|** برنامه جدید کنسرت‌ها در تالارهای مختلف در حالی اعلام شد که تعدادی از هنرمندان و گروه‌های فعال حوزه موسیقی نواحی به همراه چند خواننده پرطرفدار اجراهای خود را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهند. تعدادی از هنرمندان و گروه‌های فعال حوزه موسیقی در حالی کنسرت‌های خود را آغاز می‌کنند که در فصل جدید این اجراهای زنده گروه‌ها و هنرمندان شناخته‌شده موسیقی نواحی به همراه تعدادی از خوانندگان پرطرفداری که تا به امروز فقط در فضای مجازی آثار خود را ارائه داده بودند، کنسرت‌های خود را آغاز می‌کنند که در این می‌توان به برگزاری کنسرت علیرضا پوراستاد از هنرمندان جوان موسیقی پاپ ایرانی یاد کرد که طی ماه‌های پیش آثارش با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است. یکی دیگر از اتفاقات ناراحت‌کننده در حوزه برگزاری کنسرت‌ها، فقدان استقبال لازم از سوی گروه‌ها و هنرمندان فعال حوزه موسیقی ایرانی است که در فصل تازه برگزاری اجراهای زنده موسیقی در دوران کرونایی همچنان از اسم و عنوان آن‌ها در سامانه‌های فروش بلیت کنسرت خبری نیست، شرایطی که به دلیل برخی از کمبود حمایت‌ها و موارد دیگر از حوزه موسیقی ردیف دستگاهی ایران ازجمله فضای نگران‌کننده‌ای را برای این‌گونه موسیقایی فراهم آورده است. برگزاری کنسرت‌ها در شرایطی است که بر اساس اعلام سامانه‌های فروش بلیت کنسرت‌ها بعد از خرید بلیت، دو عدد صندلی قبل و بعد جهت حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی غیرفعال خواهد شد. آنچه می‌خوانید برنامه مشروح کنسرت‌ها در روزهای پیش روست که در سامانه‌های رسمی فروش بلیت کنسرت‌ها برای علاقه‌مندان معرفی شده‌اند.

یکشنبه ۱۹ دی: کنسرت امید حاجیلی (تمدیدی) – کنسرت هال کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

کنسرت علیرضا طلیسچی – تالار شهر کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

کنسرت روزبه نعمت‌الله‌ی – فضای باز آوای خلیج‌فارس کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

سه‌شنبه ۲۱ دی: کنسرت مسعود صادقلو – فرهنگسرای بوستان ولایت فردیس – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۰۰هزار تومان

کنسرت حمید عسگری – کنسرت هال کیش – ساعت ۲۱ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

کنسرت مسیح و آرش - سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۲ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

چهارشنبه ۲۲ دی: کنسرت مهدی احمدوند – سالن همایش ایرانیان – ساعت‌های ۱۸:۲۰ و ۲۱:۵۰ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت حسین صفامنش (تمدیدی) – تالار وحدت – ساعت ۲۱:۳۰ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۰۰هزار تومان

کنسرت بهنام بانی – سالن اکومال کرج – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱

کنسرت علی یاسینی - سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۲ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت مسیح و آرش – سالن وزارت کشور – ساعت ۱۹ و ۲۲ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت علیرضا طلیسچی – سالن پارسیان کرمانشاه – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱

کنسرت بابک جهانبخش – سالن هال مریم کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

پنجشنبه ۲۳ دی: کنسرت حسین صفامنش (تمدیدی) – تالار وحدت – ساعت ۲۱:۳۰ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۰۰هزار تومان

کنسرت علیرضا طلیسچی – مرکز همایش‌های برج میلاد – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت هوروش بند (تمدیدی) – سالن ارس جلفا – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۲۸۰هزار تومان

کنسرت آرون افشار – کنسرت هال کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

کنسرت مسیح و آرش – سالن وزارت کشور – ساعت‌های ۱۹ و ۲۲

کنسرت بهنام بانی – سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۲ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

جمعه ۲۴ دی: کنسرت مهدی احمدوند (تمدیدی) – سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت علیرضا طلیسچی – مرکز همایش‌های برج میلاد – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت بهنام بانی – سالن اکومال کرج – ساعت‌های ۱۸ و ۲۲ – قیمت بلیت: (به‌زودی اعلام می‌شود)

یکشنبه ۲۶ دی: کنسرت مسیح و آرش – تالار شهر جزیره کیش – ساعت ۲۳:۵۹ – قیمت بلیت: ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان

دوشنبه ۲۷ دی: کنسرت امید حاجیلی – سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۲ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت هما میرافشار – سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران – ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ – قیمت بلیت: ۱۴۰ تا ۳۹۵هزار تومان

کنسرت علیرضا طلیسچی – فرهنگسرای بوستان ولایت فردیس – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۰۰هزار تومان

سه‌شنبه ۲۸ دی: کنسرت گروه سینا ذکایی – تالار وحدت – ساعت ۲۱:۳۰ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۲۵۰هزار تومان

کنسرت رضا بهرام (تمدیدی) – تالار اسپیناس پالاس تهران – ساعت‌های ۱۸ و ۲۲

کنسرت بهنام بانی – مرکز همایش‌های برج میلاد تهران - ساعت‌های ۱۸:۳۰ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۳۹۵هزار تومان

چهارشنبه ۲۹ دی: کنسرت افشین آذری (تمدیدی) – تالار پتروشیمی تبریز – ساعت‌های ۱۸ و ۲۱ – قیمت بلیت: ۱۰۰ تا ۱۶۰هزار تومان

رویداد

## زندگی برای ذوالفقار عسگریان، مساوی با موسیقی بود

**همدلی|** ذوالفقار عسگریان با موسیقی زیست، گواه سال‌ها زیستِ هنری این استاد فقید آثار متعدد به‌جامانده از او است و مهم‌تر از آن خلاقیت و دقتی است که در سبک نوازندگی و زندگی هنری او به‌وضوح دیده می‌شود. ذوالفقار عسگری‌پور، معروف به عسگریان یکی از استادان شهیر خراسان بزرگ به شمار می‌رود، برای او زندگی جز موسیقی چیز دیگری نبود چراکه موسیقی در خطه خراسان روایت زندگی است. بزرگی و شکوه هنر ذوالفقار بر هیچ علاقه‌مند و دوستدار موسیقی نواحی پوشیده نیست چراکه او علاوه بر نواختن دوتار، یک پژوهشگر اصیل بود و قوم به قوم به دنبال مقام‌ها و هنر بکر خطه خراسان بود. حسینعلی مردان‌شاهی هم درباره زندگی این استاد شهیر خراسانی این‌طور می‌گوید: در زندگی استاد عسگریان یک تساوی وجود داشت؛ به این معنا که برای او زندگی مساوی با موسیقی بود و تمام‌وقتش را صرف آن می‌کرد. استاد در مقابل موسیقی همچون تشنه‌ای بود که سیراب نمی‌شد و از نواختن دوتار خسته نمی‌شد. او توضیح می‌دهد: این ویژگی در تمام دوره‌های نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری در او پایدار بود. از زمانی که در کودکی دوتار را به دست گرفت و شناخت تا زمانی که توان داشت، دوتار زد و دوتار زد و دوتار زد و همین ویژگی تفاوت او با برخی از هنرمندان دیگر است. او در ادامه به تأثیری که ذوالفقار عسگریان بر فرزندانش داشت، اشاره کرد و افزود: وی نوازندگی و اهمیت دادن به موسیقی را به تمام فرزندانش آموزش داد. در واقع عسگریان با رفتار هنری خود و علاقه‌ای که به نوازندگی داشت، باعث شد تمام فرزندانش عاشق هنر موسیقی شوند و از آن لذت ببرند و بدون این‌که این مسئله را به نصیحت یا چیز دیگری تبدیل نماید، سبب شد که در فرزندانش نیز شکل بگیرد و به همین ترتیب این فرهنگ و جریان نسل به نسل ادامه خواهد داشت.

مردان‌شاهی درباره پژوهش‌های این نوازنده در اقوام مختلف بیان می‌کند: علاقه‌ای که استادعسگریان به موسیقی داشت، باعث می‌شد به‌واسطه موسیقی کارهای سختیِ را انجام دهد؛ مثلاً برای شنیدن موسیقی قوم کرد مدتی در میان آن‌ها زندگی کرد و این نکته برایَ موسیقی ترکمن و بلوچ نیز صدق می‌کند. او ادامه می‌دهد: او برای موسیقی با وجود شرایط سخت وقت می‌گذاشت. سال‌ها پیش که سفرها به‌سختی و بدون امکانات امروزی صورت می‌گرفت، بیشترین وقتش را صرف سفر به مناطق دیگر کرد و با رنج فراوان تعداد زیادی مقام جدید را آموخت. تمام آن را پردازش کرد و از حاصل آن اتفاق و جریان جدیدی ایجاد شد که همه شاهد آن هستیم.

این فعال حوزه موسیقی خراسان به موضوع پرده‌بندی ساز ذوالفقار عسگریان اشاره می‌کند و می‌گوید: استاد عسکریان گوش موسیقایی بسیار عالی داشت و با توجه به اینکه برای آموختن موسیقی اقوام مختلف در میان آن‌ها زندگی می‌کرد، سعی می‌کرد آنچه را که می‌شنود، بنوازد و به همین منظور به دوتاری که مرسوم بود و هشت یا ۸.۵ پرده بود، ربع‌پرده‌ها و نیم‌پرده‌هایی اضافه کرد تا بتواند به‌خوبی پاسخگوی تفاوت لحن‌های خواننده‌های مختلف باشد. او توضیح می‌دهد: ابتدا برای نواختن بعضی از مقام‌های خوب جنوب خراسان چند نیم‌پرده به دوتار اضافه کرد و بعد با توجه به علاقه‌اش به نواختن هر دو شیوه موسیقی شمال و جنوب خراسان یکسری پرده‌ها را هم به‌منظور نواختن مقام‌های شمال خراسان اضافه کرد که محصول نهایی دوتاری شد که الان شما مشاهده می‌کنید که با پرده‌های اصلی و ربع پرده و نیم‌پرده‌ها حدود ۱۸ پرده دارد و جوانان نسل جدید هم خیلی به آن علاقه‌مندند چراکه با پرده‌بندی متفاوتش قابلیت‌های بهتری را برای نواختن فراهم می‌کند.

**آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۱۵۱۰۰۰۹۷۴ مورخه ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ و رای اصلاحی ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۰۱۴۵ مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه لویزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم هنگامه عنابستانی فرزند رمضانعلی بشماره شناسنامه۴۲۷ صادره از سبزوار در یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۲۲۸/۱۱ مترمربع که مقدار ۹/۲۷ مترمربع آن مربوط به حریم رودخانه می باشد قطعه۲۲۲ تفکیکی جزء پلاک۲۵ فرعی از ۴۵ و ۴۴ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک لویزان تهران (بخش۱۱ تهران) به میزان ۱ سهم مشاع از ۷ سهم ششدانگ خریداری از مالک رسمی آقای نوراله یوسفیان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (شناسه آگهی ۱۲۵۶۲۳۳)

تاریخ انتشار آگهی اول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ انتشار آگهی دوم: ۱۴۰/۱۱/۵

۱۴۹۸۱/م الف سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک لویزان - غضنفری

**آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۰۹۷۱ مورخه ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ و رای اصلاحی ۱۴۰۰۶۰۳۰۱۱۵۱۰۰۰۱۴۷ مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه لویزان تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا عنابستانی فرزند رمضانعلی بشماره شناسنامه۲۸۶ صادره از سبزوار در یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن بمساحت ۲۲۸/۱۱ مترمربع که مقدار ۹/۲۷ مترمربع آن مربوط به حریم رودخانه می باشد قطعه۲۲۲ تفکیکی جزء پلاک۲۵ فرعی از ۴۵ و ۴۴ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک لویزان تهران (بخش۱۱ تهران) به میزان ۱ سهم مشاع از ۷ سهم ششدانگ خریداری از مالک رسمی آقای نوراله یوسفیان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (شناسه آگهی ۱۲۵۶۲۳۴)

تاریخ انتشار آگهی اول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ انتشار آگهی دوم: ۱۴۰/۱۱/۵

۱۴۹۸۲/م الف سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک لویزان - غضنفری